

غیر محرمانه

بازداشت مدیر ایملات نور

مدیر مجموعه گردشگری ایملات نور به دلیل مراجعه نکردن به مرجع قضائی برای ارائه توضیحات لازم درباره تخریب بخشی از جنگل ایملات بخش چمستان بازداشت شد. دادستان مرکز مازندران خبر بازداشت مدیر مجموعه گردشگری ایملات را تأیید کرد و گفت: مدیر این مجموعه چندی پیش برای ارائه توضیحات احضار شده بود که در مهلت قانونی داده شده خودش را معرفی نکرد. محمد کریمی اظهار کرد: با توجه به این‌که فرد مد نظر در مهلت قانونی خودش را برای ارائه توضیح معرفی نکرد توسط دادسرای نور بازداشت شد.

پس لرزه توهین پناهیان به پیامبر

علیرضا پناهیان در برنامه تلویزیونی با بیان سخنانی موهن در مورد سیره و اخلاق پیامبر (ص) و امام علی (ع) آنان را خشن نامید. امیر دبیری مهر، فعال رسانه‌ای در واکنش به این سخنان علیرضا پناهیان در کانال تلگرامی‌اش نوشت: تو و امثال تو از بین برنده رونق مسلمانی در این دیار شدید اگر در کنار سیاسی کاری‌ها و لابی‌گری‌ها و لابی‌وشانی خرابکاری رقفا کمی وقت برای قرائت و تدبر در قرآن می‌گذاشتید و از تاویل و تفسیرهای سیاسی کلام... پرهیز کنید ملاحظه می‌فرمایید که خداوند متعال خطاب به رسول مکرر اسلام که رحمت للعالمین بود می‌فرماید: «به مرحمت خدا بود که با خلق مهربان گشتی و اگر تندخو و سخت‌دل بودی مردم از گرد تو متفرق می‌شدند.»

تیراندازی به منزل مأموران جنگلبانی

رئیس اداره منابع طبیعی و آبخیزداری شهرستان آمل از تیراندازی شبانه دو فرد ناشناس شب گذشته به صورت همزمان به منزل مسکونی دو نفر از جنگلبانان این اداره خبر داد. علی اصغر اسماعیل زاده گفت: فرد یا افراد مهاجم ناشناس بودند، در بامداد شنبه ۱۸ فروردین، این افراد ناشناس در اقدامی هماهنگ و سازمان یافته، به منزل مسکونی دو تن از مأمورین یگان حفاظت منابع طبیعی و آبخیزداری شهرستان آمل تیراندازی کردند.

شکایت می‌کنم!

رضا وطن‌خواه دستیار اسبق زنده‌یاد پرویز دهداری درباره فیلم «پرویزخان» گفت: نمی‌دانم کدام آدمی بدون اجازه درباره من این چرندیات را ساخته است. من منظر مانده‌ام تا احمد رضا عابدزاده به ایران بیاید و با هم برویم و شکایت کنیم. این آدم حتی با من تماس نگرفته که بگوید می‌خواهیم درباره شما این صحنه‌ها را بسازیم. یعنی در این مملکت یک نفر نبوده که از این‌ها بپرسد روی چه حسابی این اطلاعات غلط را به مخاطب داده‌اید؟

نوروز در میدان آزادی



روزنه

تمایل دوبلور باب اسفنجی به همکاری با نوجوانان

معناداشت، چون امروز نوجوان‌ها می‌توانند با یک دوربین و یک دوربین‌داری شخصی همه کارهایشان را انجام دهند، ولی زمان ما نیاز به یک گروهی بود که هر کدام یک تخصصی را داشته و کار را جلو می‌بردند و این شور و اشتیاق برای تولید یک فیلم کوتاه با یک مستند می‌توانست که همه را وارد یک مسیر جدی‌تری کند؛ امیدوارم این عزیزان هم وقتی در فضای مجازی تولید محتوا می‌کنند به فکر پیشرفت هم باشند که آینده رسانه دست این عزیزان باشد و بتوانند در فضای مجازی تجربه کنند و کار حرفه‌ای را در رسانه‌ها انجام بدهند. او درباره ظرفیت فضای مجازی گفت: حقیقتاً باید عزیزانی که در فضای مجازی تولید محتوا می‌کنند و می‌بینیم که استعداد خوبی دارند و محتوای خوبی تولید کردند و حتی از نظر فنی یک کار ویژه‌ای انجام می‌دهند، به گروه‌هایی تبدیل شوند تا به کارشان هدف داده شود و در یک مسیر حرفه‌ای پرورش پیدا کنند، اتفاقاً فضای مجازی جایگاه خیلی خوبی برای استعدادیابی است. شیخ‌زاده درباره درباره جشنواره «آسمون» که با محوریت تولیدات فضای مجازی نوجوان‌ها فعالیت می‌کند، گفت: امیدوارم که این جشنواره موفق باشد، به هر حال اسم و هدف اولیه این جشنواره خیلی خوب است و اینکه

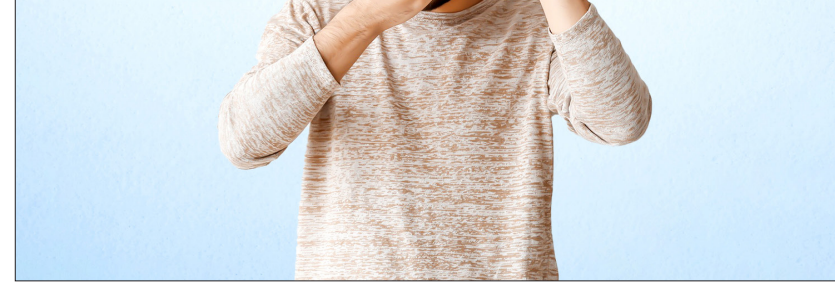
نوجوان‌ها می‌توانند خلاقیت‌های خودشان را به نمایش بگذارند بسیار عالی است. وی در ادامه به نوجوانان در این زمینه پیشنهاد داد: خیلی خوب است در زمینه صدا هم نوجوان‌ها فعال باشند، به نظر من حتی می‌توانند متن‌هایی را خودشان بنویسند یا فیلم‌هایی که به صورت مستند بوده و نریشن لازم دارند را انتخاب کنند و برای آن نریشنی را تولید و از صدایشان استفاده کنند که آن‌ها... اگر فرصتی بود کارشناسان بتوانند آثار را ببینند و نظر بدهند، امید که جزو مستندیک هم باشند. او در رابطه با علاقه به کار با نوجوانان در یک پروژه دوبلژ توضیح داد: قطعاً نوجوان‌ها با استعداد زیادی وجود دارند. ما دوست داریم که با همه عزیزان با استعداد کار کنیم چون آینده هنر دست نوجوان‌ها است و قطعاً هر نسلی این نگاه را به نوجوان‌ها هم عصر خودش دارد چرا که این گروه باید کار را درست بگیرد. وی در پایان خاطرنشان کرد: اتفاقاً خیلی خوبی است که این عزیزان مشغول به کار بشوند و آموزش ببینند؛ امروز دنیا در شرایطی است که بدون آموزش نمی‌شود کاری انجام داد، شما باید بهترین باشید و اگر استعداد خاصی وجود دارد حتماً باید به سمت آموزش‌های خیلی حرفه‌ای از اساتید خوب و کاربلد هدایت شود.

اینفوگرافیک

۱۰ راه ساده برای محافظت از سلامت چشم‌ها

بینایی می‌تواند با افزایش سن یا به دلیل ابتلا به بعضی از بیماری‌ها ضعیف شود. با این حال می‌توانید با به کار بردن بعضی روش‌های طبیعی، به تقویت بینایی خود کمک کنید.

- هنگام کار کردن عینک بزنید ایمنی بزنید
- از عینک استفاده کنید
- مداوم به صفحه‌ی موبایل و کامپیوتر نگاه نکنید
- بیماری‌های مزمن را مدیریت کنید
- میه‌وه‌ها و سبزیجات رنگی بخورید
- ویتامین کفاکی دریافت کنید
- سیگار را ترک کنید
- مراقب سلامت چشم خودتان باشید
- مراقب سلامت چشم خودتان باشید
- مراقب سلامت چشم خودتان باشید



دل نوشته حبیب احمدزاده

برای رفیقم کیومرث

رفتن این‌ها به منطقه امن بیرون از آتش و جنگ خلاص می‌شوم. دو خواهرم زودتر با زنم مومین رفته بودند و مادرم مانده بود و خاله و دختر عمویی که اصلاً نمی‌خواستند شهر را حتی پس از سقوط خرمشهر رها کرده و بروند ولی دیگر چاره‌ای نبود و من از این چاره‌ای نبود خوشحال، همگی با چند همسایه جامانده دیگر در حال سوار شدن به یکتاب آبی از قبل گل مالی شده بودند تا با این استار ساده حداقل در راه توسط نیروهای پیاده دشمن دیده نشوند... مادرم قبل از سوار شدن به پشت وانت نگاهی به خانه مان کرده و سپس به من و گریه کرد. از نگاهش می‌دانستم که یعنی تو هم بیا!

قدیمی عقب رفته که یعنی من نمایم و می‌مانم، پدرم در وانت رابست و گفت سیرت برده، می‌خواه بمانی.

مادرم دیگر هیچ نگفت و وانت رفت.

بالای خند به درون خانه رفتم، دیگر هیچ‌کس نمانده بود جز اثاثیه، چشمانم چرخ می‌زد، ناگهان اسلحه از دستم‌م رها شد و با دو زانو فرو افتادم و همینطور شروع کردم با صدای بلند به زار زدن و گریه کردن که تازه معنای نهایی و بی‌کسی و رهاشدگی را در یک شهر محاصره شده می‌فهمیدم و شاید هم چون نمی‌فهمیدم چرا گریه می‌کردم آنقدر گریه کردم که فقط دیگر صدای حق رفته‌م در می‌آمد بی هیچ اشک و رطوبتی... و بعد ناگهان همه چیز تمام شد... همانطور که ناگهانی آمد ناگهانی هم همه چیز رفت به دو چشمم دستی کشیده و خشکشان کردم، اسلحه‌ام را برداشتم و از خانه بیرون رفتم، برای همیشه، برای همه آن هشت سال جنگیدن و برنگشتن به آن حبیبی که جا گذاشته بودم، این را که برایت تعریف کردم، شد همین جملاتی که خودت و از ذهنم نوشتی... جنگ که شد، بچه بودم، شانزده سالم بود، سه روز بعد با زهم شانزده سالم بود ولی دیگه بچه نبودم... و بدتر برایت بگویم کیومرث جان که شاید همین جملات را متاسفانه هزاران بچه مانند من، امروزه در غزه هم به کلامی ولی عربی با خود در واقعیت نجوا می‌کنند.

درست مثل همان حبیب چهل سال پیش آن روز چون حبیبیت هم هنوز برنگشته به آن بچگی که جامانده‌اش در خانه پدری، همانطور که خودت هم برای همیشه بر نمی‌گرددی نزد ما، به هر حال کیومرث جان روح‌ت شد، ای همیشه رفیقم

گپ

علی درستکار مطرح کرد

ماجرای «سینج» و شبکه نمایش خانگی

علی درستکار که این روزها به جمع مجریان و برنامه‌سازانی پیوسته که در شبکه نمایش خانگی فعالیت می‌کنند، از تجربه فضای خارج از تلویزیون گفت و در عین حال بیان کرد که پیشنهادهای زیادی برای حضور در تلویزیون داشته اما بنا به دلایلی که عنوان کرده است هیچ کدام را نپذیرفته. علی درستکار که بعد از چند سال دوری از تلویزیون این روزها در قالب برنامه‌ای با عنوان «سینج» در شبکه نمایش خانگی به اجرا می‌پردازد، در گفت‌وگویی با ایسنا، درباره غیبتش در طول این مدت و در پاسخ به اینکه آیا در طول مدتی که از تلویزیون دور بوده پیشنهادهایی هم از سوی سازندگان به وی شده است؟ یادآور شد: یکی دو سال که ممنوعیت قطعی داشتم و طبیعتاً پیشنهادی هم نبوده اما بعد از آن پیشنهادهایی می‌شده و البته حین ممنوعیت هم پیشنهادهایی از سوی دوستان داشتم که نمی‌دانستند در ممنوعیت هستنم. می‌دانستم که مکاتبه رسمی برای ممنوعیت شده بود و نامه را هم ناخواسته دیده بودم. ولی پیشنهادهایی داشتم و حتی پیش از ایام رمضان هم پیشنهادهایی در تلویزیون داشتم که از سطوح مختلف بود اما نپذیرفتم.

درستکار درباره علت نپذیرفتن پیشنهاداتی که از سوی تلویزیون داشته توضیح داد: احساسم این بود که من تغییری نکردم، دوستان هم که تغییری نکردند نمی‌دانم که چه چیزی تغییر کرده که دنبالم آمدند و این سوال بزرگی بود که برایم پیش آمد. بعد از آن هم این سوال بزرگ‌تر پیش آمد که من اگر خواستی بودم، چطور یک زمان ناخواستی شدم؟ چون هیچکدام از این مولفه‌ها برایم روشن نشده بود و همچنین مولفه‌های دیگر که گفته نشده بود اما برایم روشن بود، نتیجه‌ای که برای خودم می‌گرفتم این بود که دعوت تلویزیون را نپذیریم؛ ضمن اینکه از لطف همه دوستانی که مبدع و در مسیر این دعوت‌ها بوده‌اند تشکر کرده‌ام و البته برخی جاها هم مصاببت کرده‌ام اما اشکالی ندارد و پشیمان نیستم.

او درباره حضورش در شبکه نمایش خانگی و فاصله‌اش از تلویزیون این چنین می‌گوید: تلویزیون که به هر حال چنین شد که دیگر نشود. بعد از آن پیشنهادهای زیادی داشتم و ایده‌های مختلفی هم برای خودم بود و ایده‌هایی هم از سوی دیگران می‌آمد. تلاقی این دوری، صحنه اینستاگرام من بود که برآمد و آن هم از سوی من نبود و ایده صافی بود و جوشید و چنین شد. استقبالی که از آن صحنه و محتوای آن شد آن هم خیلی برای من چشمگیر و عزیز بود و سوال بود که چطور این محتوا اینقدر خاطرخواه دارد و این ذهن و فکر من را درگیر کرده بود و همین‌طور می‌چرخیدیم و می‌چرخیدیم و همچنان هم پیشنهادهایی از سوی شناسان و ناشناسان می‌آمد تا این اخیر که دوستان فیلمیو به واسطه‌ای این پیشنهاد را دادند که برای رمضان و محرم خدمتی بکنیم. بعد از همفکری‌ها «سینج» به میان آمد که به معنای موقت و عاریه است ولی عمدتاً ما همین نام را انتخاب کرده‌ایم که کنایه‌ای از دنیای گذراست. به این فضا رفتم که در خدمت مجریان سن و سال گذشته از مردان و زنان کشور و البته اندیشه‌ورز هستند برویم و ببرسیم و بجوییم آیا واقعاً اینکه همه ما خودمان را صرف سکه و سفره و نان و آب و لباس و زلف و چشم و ابرو و لب و بینی و فک و این چیزها می‌کنیم، آیا چیزی فراتر از این هم وجود دارد که آدمی بخواید خودش را صرف آن کند یا نه فقط همین است.

این مجری و کارشناس در بخش دیگری از گفت‌وگویی خود درباره تجربه حضورش در شبکه نمایش خانگی بیان کرد: دگرگونی این تجربه خوشمزه است؛ اینکه به هر حال تجربه نویی داشته باشیم اینکه هزار بار نوشته باشیم اگر با یک خودنویس دیگر بنویسیم تجربه نویی است و تفاوت‌هایی میان دو افزار مختلف وجود دارد. اینکه یک عمر جلوی دوربین و میکروفن تلویزیون و رادیو حرف زدیم و حالا در فریم دیگر و برای گروه دیگری از مخاطبان جامعه با طرز دیگری، طبعاً جذابیت و هیجانی دارد و به علاوه اینکه مراقبت‌های دیگری قطعاً لازم دارد. محاسبات طور دیگری است؛ محصول باید حتماً طعم دیگری باشد. گاهی به دوستان حرفه‌ای عرض می‌کنم نه هر تهیه‌کننده، نه هر مجری و نه هر برنامه‌ساز و عوامل عزیزی که در تلویزیون بوده‌اند، لزوماً در فضای اینترنتی موفق خواهند بود و نه معکوس آن. به هر حال هر رسانه‌ای و هر فضای اقتضات خودش را دارد.

او در پایان توصیه کرد: خیلی وقت‌ها باید خیلی کارها را نکرده همیشه به اینکه چکار کنیم فکر نکنیم گاهی فکر کنیم که خیلی از کارها را نکنیم. از بزرگمان تا کوچکمان مشمول این خطاب هستیم. به گزارش ایسنا، برنامه «سینج» به تهیه‌کنندگی حسین ربانی غریبی و گردانندگی علی درستکار تاکنون چند قسمت از آن منتشر شده و علی نصیریان هنرمند تئاتر سینما و تلویزیون، فاضل نظری، شاعر معاصر. و سید مهدی شجاعی پژوهشگر و نویسنده در این برنامه حضور داشته‌اند.